

**واکاوی تربیتی و حقوقی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه**

**(با تأکید بر بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی)**

نویسندگان	وابستگی سازمانی
بهرروز آغازده *	دانش آموخته دکتری تخصصی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حسین بیوک آغازده	دانشجوی دکتری تخصصی، گروه کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	در پی وقوع جنگ ترکیبی ۱۲ روزه اخیر، که ابعاد نظامی، رسانه‌ای، سایبری و
صفحه	روانی را درهم آمیخت، ضرورت بازخوانی نقش تربیت اسلامی و حقوق دفاع
دوره ۲، شماره ۲ (شماره چهارم پیاپی)	مشروع در مواجهه با تهدیدهای نوین بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش
اطلاعات نویسنده مسئول	حاضر با هدف واکاوی ابعاد تربیتی و حقوقی این جنگ و تحلیل بازنمایی
نویسنده مسئول	آموزه‌های تربیت اسلامی در بستر آن انجام شده است. روش تحقیق، کیفی و
کد ارکید	مبتنی بر تحلیل اسنادی، تفسیری و تطبیقی است. داده‌ها از منابع فقهی،
تلفن	حقوق بین‌الملل، بیانیه‌های رسمی، و بازنمایی‌های رسانه‌ای گردآوری و تحلیل
ایمیل	شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های تربیت اسلامی، با تأکید بر
سابقه مقاله	مفاهیمی چون جهاد تبیین، صبر، ایثار، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش
تاریخ دریافت	مؤثری در تقویت هویت دینی و انسجام ملی در شرایط بحران ایفا کرده‌اند.
تاریخ ویرایش	همچنین، تحلیل حقوقی جنگ اخیر نشان می‌دهد که اقدامات دفاعی ایران،
تاریخ پذیرش	در چارچوب اصل دفاع مشروع در فقه اسلامی و ماده ۵۱ منشور ملل متحد
تاریخ انتشار	قابل توجه است. بازنمایی رسانه‌ای مقاومت، به‌ویژه در تربیت نسل نوجوان،
روش پژوهش	فرصتی برای نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی و ملی فراهم کرده است. نتیجه
	آن‌که تلفیق تربیت اسلامی، حقوق دفاع مشروع و سواد رسانه‌ای، می‌تواند
	الگویی راهبردی برای مواجهه تمدن‌ساز با جنگ‌های ترکیبی آینده ارائه دهد.
واژگان کلیدی	جنگ ترکیبی، تربیت اسلامی، حق دفاع مشروع، بازنمایی، تربیت بحران
	توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد	آغازده، بهروز؛ بیوک آغازده؛ حسین (۱۴۰۴)، «واکاوی تربیتی و حقوقی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه (با تأکید بر بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی)»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، (شماره چهارم پیاپی)، صفحات ۶۱ - ۷۴
-------------	---

## Educational & Legal Analysis of the 12-Day Hybrid War (with an Emphasis on the Representation of Islamic Education Teachings)

Authors	Organizational Affiliation																												
Behrooz Agazadeh *	PhD Graduate, Department of Sociology, Islamic Azad University, Tehran, Iran																												
Hossein Biyouk Aghazadeh	PhD student in Computer Science, Department of Computer Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran																												
Article Information	Abstract																												
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%;"><b>Article Type</b></td> <td style="width: 50%;">Research</td> </tr> <tr> <td><b>Pages</b></td> <td>61 - 74</td> </tr> <tr> <td colspan="2" style="text-align: center;"><b>Volume 2, Issue 2</b></td> </tr> <tr> <th colspan="2" style="text-align: center;">Corresponding Author's Info</th> </tr> <tr> <td><b>Corresponding Author's</b></td> <td style="text-align: center;"><b>Behrooz Agazadeh</b></td> </tr> <tr> <td><b>ORCID</b></td> <td style="text-align: center;">0000-0003-2790-6577</td> </tr> <tr> <td><b>Tell</b></td> <td style="text-align: center;">04532534815</td> </tr> <tr> <td><b>Email</b></td> <td style="text-align: center;">behroozagazadeh@yahoo.com</td> </tr> <tr> <th colspan="2" style="text-align: center;">Article History</th> </tr> <tr> <td><b>Received</b></td> <td style="text-align: center;">2025/06/04</td> </tr> <tr> <td><b>Revised</b></td> <td style="text-align: center;">2025/06/20</td> </tr> <tr> <td><b>Accepted</b></td> <td style="text-align: center;">2025/07/06</td> </tr> <tr> <td><b>Published Online</b></td> <td style="text-align: center;">2025/07/27</td> </tr> <tr> <td><b>Research Method</b></td> <td style="text-align: center;">Descriptive Analytical</td> </tr> </table>	<b>Article Type</b>	Research	<b>Pages</b>	61 - 74	<b>Volume 2, Issue 2</b>		Corresponding Author's Info		<b>Corresponding Author's</b>	<b>Behrooz Agazadeh</b>	<b>ORCID</b>	0000-0003-2790-6577	<b>Tell</b>	04532534815	<b>Email</b>	behroozagazadeh@yahoo.com	Article History		<b>Received</b>	2025/06/04	<b>Revised</b>	2025/06/20	<b>Accepted</b>	2025/07/06	<b>Published Online</b>	2025/07/27	<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical	<p>Following the recent 12-day hybrid war, which combined military, media, cyber, and psychological dimensions, the need to reexamine the role of Islamic education and the rights of self-defense in confronting new threats is felt more than ever. The present study aims to analyze the educational and legal dimensions of this war and analyze the representation of Islamic education teachings in its context. The research method is qualitative and based on documentary, interpretive, and comparative analysis. Data were collected and analyzed from jurisprudential sources, international law, official statements, and media representations. The findings show that Islamic education teachings, with an emphasis on concepts such as explanatory jihad, patience, sacrifice, and social responsibility, have played an effective role in strengthening religious identity and national cohesion in times of crisis. Also, the legal analysis of the recent war shows that Iran's defensive actions are justified within the framework of the principle of self-defense in Islamic jurisprudence and Article 51 of the United Nations Charter. The media representation of the resistance, especially in the education of the younger generation, has provided an opportunity for the institutionalization of religious and national values. As a result, the combination of Islamic education, the right to self-defense, and media literacy can provide a strategic model for a civilization-building confrontation with future hybrid wars.</p>
<b>Article Type</b>	Research																												
<b>Pages</b>	61 - 74																												
<b>Volume 2, Issue 2</b>																													
Corresponding Author's Info																													
<b>Corresponding Author's</b>	<b>Behrooz Agazadeh</b>																												
<b>ORCID</b>	0000-0003-2790-6577																												
<b>Tell</b>	04532534815																												
<b>Email</b>	behroozagazadeh@yahoo.com																												
Article History																													
<b>Received</b>	2025/06/04																												
<b>Revised</b>	2025/06/20																												
<b>Accepted</b>	2025/07/06																												
<b>Published Online</b>	2025/07/27																												
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical																												
<b>Keywords</b>	<i>Hybrid war, Islamic education, the right to self-defense, representation, crisis education</i>																												
<b>Description</b>																													
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>																													
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>																													
<b>How to Cite This Article</b>	Agazadeh, Behrooz; Biyouk Aghazadeh, Hossein (2025), <i>Educational &amp; Legal Analysis of the 12-Day Hybrid War (with an Emphasis on the Representation of Islamic Education Teachings)</i> ", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 2, (Fourth Consecutive Issue), Pages 61 – 74																												

## ۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده و از تقابل‌های صرفاً نظامی به نبردهای پیچیده‌ی ترکیبی تغییر یافته است؛ جنگ‌هایی که با بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای نظامی، رسانه‌ای، سایبری، روانی و اقتصادی، ساختارهای هویتی، ارزشی و امنیتی ملت‌ها را هدف قرار می‌دهند (کیانی، ۱۴۰۳: ۲). در این میان، جنگ ترکیبی ۱۲ روزه اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای بارز از این الگوی نوین جنگی بود که نه تنها تمامیت ارضی کشور را تهدید کرد، بلکه با عملیات روانی و رسانه‌ای گسترده، باورهای دینی، انسجام ملی و مشروعیت نظام را نیز نشانه گرفت (رنجبر، ۱۴۰۴: ۵). این رخداد، بار دیگر ضرورت بازخوانی نقش تربیت دینی در مواجهه با تهدیدهای نوین را برجسته ساخت؛ چرا که در چنین شرایطی، صرف توان نظامی کافی نیست، بلکه تربیت نسلی بصیر، مقاوم، و مسئولیت‌پذیر، ضامن پایداری فرهنگی و امنیت نرم کشور خواهد بود (حمیدی‌فر، ۱۴۰۴: ۳). از سوی دیگر، در شرایطی که دشمن با بهره‌گیری از جنگ شناختی، رسانه‌ای و فرهنگی، تلاش دارد مرجعیت دینی و هویت اسلامی نسل جوان را تضعیف کند، بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی در عرصه‌های رسانه، آموزش و سیاست‌گذاری، ضرورتی راهبردی تلقی می‌شود (محمدیان، ۱۴۰۴: ۶). آموزه‌هایی چون جهاد تبیین، صبر، ایثار، ولایت‌پذیری و عقلانیت دینی، می‌توانند در برابر تهاجم نرم دشمن، نقش سپر هویتی و معرفتی ایفا کنند. در عین حال، تحلیل حقوقی جنگ اخیر نیز نشان می‌دهد که اقدامات دفاعی ایران، در چارچوب اصل دفاع مشروع در فقه اسلامی و ماده ۵۱ منشور ملل متحد قابل توجیه است (محبی، ۱۴۰۴: ۲).

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، در پی آن است که به واکاوی ابعاد تربیتی و حقوقی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه پردازد و نقش بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی را در تقویت هویت دینی، مشروعیت دفاعی و انسجام ملی تحلیل کند. هدف نهایی، ارائه‌ی چارچوبی نظری و کاربردی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های تربیت اسلامی در مواجهه تمدن‌ساز با جنگ‌های ترکیبی آینده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

با توجه به نوظهور بودن پدیده‌ی جنگ‌های ترکیبی و تأثیرات چندلایه‌ی آن بر ابعاد فرهنگی، تربیتی و حقوقی جوامع اسلامی، بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های مرتبط با این حوزه، به‌ویژه در زمینه‌ی بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی در بستر جنگ‌های نوین، ضرورتی انکارناپذیر است. در سال‌های اخیر، پژوهشگران متعددی تلاش کرده‌اند تا با رویکردهای میان‌رشته‌ای، ابعاد مختلف جنگ ترکیبی را از منظر فقهی، حقوق بین‌الملل، تعلیم و تربیت اسلامی، و رسانه‌های تربیتی تحلیل کنند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه مرور می‌شود:

**رنجبر (۱۴۰۲)**، در پژوهش خود به نام «جنگ هیبریدی و جهاد تبیین» چنین بیان داشته‌اند که جنگ ترکیبی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، روانی و شناختی، به دنبال تضعیف باورهای دینی و هویت اسلامی نسل جوان است. وی تأکید می‌کند که راهبرد جهاد تبیین، ریشه در آموزه‌های تربیت اسلامی دارد و می‌تواند به‌عنوان سپری معرفتی در برابر تهاجم نرم دشمن عمل کند.

**حسینی و شب‌دینی پاشاکی (۱۴۰۳)**، در پژوهش خود به نام «تحلیل راهبردهای قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن» چنین بیان داشته‌اند که سه راهبرد «جهاد ترکیبی»، «جهاد تبیین» و «جهاد علمی» که برگرفته از تعالیم قرآنی هستند، مهم‌ترین سازوکارهای مقابله با جنگ ترکیبی محسوب می‌شوند. آنان با تحلیل مضمون بیانات رهبری، به نقش تربیت قرآنی در تقویت بصیرت و مقاومت فرهنگی پرداخته‌اند.

**محمدیان (۱۴۰۴)**، در پژوهش خود به نام «بازنمایی مفاهیم مقاومت در رسانه‌های تربیتی پس از جنگ ۱۲ روزه» چنین بیان داشته است که رسانه‌های تربیتی، به‌ویژه در ایام پس از جنگ، نقش مهمی در نهادینه‌سازی مفاهیم ایثار، ولایت‌پذیری و هویت دینی در نسل نوجوان ایفا کرده‌اند. وی تأکید می‌کند که این بازنمایی‌ها، مکمل نظام رسمی تعلیم و تربیت در شرایط بحران هستند.

## آزاده و بیوک آرازده (۶۱-۷۴)

**پیری زمانه و قدمی (۱۴۰۲)**، در پژوهش خود به نام «جهاد تبیین مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، راهبرد مقابله با جنگ ترکیبی» چنین بیان داشته‌اند که جهاد تبیین، به‌عنوان راهبردی تربیتی و تمدن‌ساز، می‌تواند در برابر جنگ شناختی دشمن ایستادگی کند. آنان با تحلیل بیانات رهبری، الگویی فرایندی برای جهاد تبیین در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی ارائه کرده‌اند.

**زارع ایوکی (۱۴۰۴)**، در پژوهش خود به نام «آینده‌پژوهی منازعه ایران و رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۲ روزه» چنین بیان داشته است که جنگ اخیر، نقطه عطفی در بازتعریف نظم امنیتی منطقه‌ای بوده و بازتاب‌های آن در حوزه‌های تربیتی و رسانه‌ای نیز قابل مشاهده است. وی بر ضرورت تربیت نسلی آینده‌نگر و مقاوم در برابر تهدیدات ترکیبی تأکید دارد.

**شیخ سامانی و همکاران (۱۴۰۲)**، در پژوهش خود به نام «بازنمایی تربیت اسلامی در تحلیل محتوای صحیفه سجادیه» چنین بیان داشته‌اند که آموزه‌های امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه، الگویی جامع برای تربیت اسلامی در شرایط بحران و جنگ نرم ارائه می‌دهد. آنان با تحلیل کیفی مضامین، به مؤلفه‌هایی چون صبر، توکل، مسئولیت‌پذیری و عقلانیت دینی اشاره کرده‌اند.

**محبی (۱۴۰۴)**، در پژوهش خود به نام «تحلیل حقوقی جنگ ۱۲ روزه از منظر منشور ملل متحد و فقه اسلامی» چنین بیان داشته است که اقدامات دفاعی ایران در این جنگ، در چارچوب اصل دفاع مشروع قابل توجیه است. وی با تطبیق ماده ۵۱ منشور ملل متحد با مبانی فقهی، مشروعیت حقوقی و دینی پاسخ ایران را تبیین کرده است.

پژوهش حاضر، برخلاف اغلب مطالعات پیشین که صرفاً به یکی از ابعاد حقوقی، رسانه‌ای یا تربیتی جنگ‌های نوین پرداخته‌اند، با رویکردی میان‌رشته‌ای و تلفیقی، به واکاوی هم‌زمان ابعاد تربیتی، حقوقی و رسانه‌ای جنگ ترکیبی ۱۲ روزه پرداخته است. نوآوری اصلی این پژوهش در آن است که با تمرکز بر بازنمایی آموزه‌های تربیت اسلامی در بستر جنگ ترکیبی، تلاش کرده است تا الگویی مفهومی برای تربیت نسل آینده در شرایط بحران ارائه دهد؛ الگویی که هم از منظر فقهی و حقوق بین‌الملل مشروعیت دفاع را تبیین می‌کند و هم از منظر تربیتی، به نهادینه‌سازی مفاهیمی چون جهاد تبیین، ایثار، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌پردازد. اهمیت این پژوهش در آن است که در شرایط پسا‌جنگ، می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی، بازطراحی محتوای آموزشی، و تقویت سرمایه اجتماعی در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی آینده فراهم آورد.

### ۳- مبانی نظری و مفهومی

در این بخش، با هدف تبیین چارچوب نظری پژوهش، به واکاوی مبانی مفهومی و نظری مرتبط با جنگ‌های ترکیبی، تربیت اسلامی، حق دفاع مشروع و بازنمایی رسانه‌ای پرداخته می‌شود تا زمینه‌ای روشن برای تحلیل‌های تربیتی و حقوقی در بخش‌های بعدی فراهم گردد.

#### ۳-۱- مفهوم‌شناسی جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی به راهبردی چندلایه و پیچیده اطلاق می‌شود که در آن، بازیگران دولتی یا غیردولتی با بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای نظامی، رسانه‌ای، سایبری، اقتصادی، روانی و حقوقی، تلاش می‌کنند تا اراده، هویت و انسجام ملی کشور هدف را تضعیف کنند (نوربخش، ۱۴۰۳: ۲). این نوع جنگ، برخلاف جنگ‌های کلاسیک، در «منطقه خاکستری» میان صلح و مخاصمه آشکار رخ می‌دهد و مرزهای سنتی میان جنگ و صلح را از میان برداشته است (کلانتری، ۱۴۰۳: ۵). ضرورت پرداختن به این مفهوم، از آن‌جا ناشی می‌شود که در دهه اخیر، دشمنان جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از الگوهای جنگ ترکیبی، به‌ویژه در جنگ ۱۲ روزه اخیر، تلاش کرده‌اند تا با عملیات روانی، تحریم، جنگ شناختی و تهاجم رسانه‌ای، ساختارهای تربیتی و مشروعیت حقوقی کشور را هدف قرار دهند (بختیاری و ساعدی، ۱۳۹۸: ۱۰۵). از منظر مفهومی، جنگ ترکیبی شامل عناصر متنوعی چون نیروهای منظم و نامنظم، عملیات روانی، جنگ سایبری، تحریم اقتصادی، جنگ حقوقی، و بازنمایی رسانه‌ای است که به‌صورت هم‌افزا و هماهنگ عمل می‌کنند (نوربخش، ۱۴۰۳: ۴). در این میان نویسندگان با رویکرد شناخت‌شناسانه، تأکید می‌کنند که جنگ ترکیبی، شکل پیشرفته‌ای از نبرد در سطح ملی است که به دلیل پیچیدگی تهدیدات نوین، نیازمند فرماندهی و کنترل چندسطحی (C4I) و

## آزاده و بیوک آخازده (۶۱-۷۴)

راهبری هوشمند منابع در ابعاد نظامی، فرهنگی و رسانه‌ای است. (بختیاری و ساعدی، ۱۳۹۸) چالش اصلی در مواجهه با این نوع جنگ، دشواری در تشخیص آغاز و پایان آن، ماهیت پنهان و چندوجهی آن، و ناتوانی ساختارهای سنتی در پاسخ‌گویی سریع و مؤثر است (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۹: ۲). از این منظر، جنگ ترکیبی صرفاً یک تهدید نظامی نیست، بلکه پدیده‌ای تمدنی است که مقابله با آن نیازمند تربیت نسلی آگاه، مقاوم، و دارای سواد رسانه‌ای و حقوقی است.

### ۳-۲- مفهوم شناسی جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی به نوعی از مخاصمه نظامی اطلاق می‌شود که در آن، یک کشور بدون مجوز حقوقی و مشروعیت بین‌المللی، جنگی را بر کشور دیگر تحمیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که کشور مورد تهاجم، در موقعیت دفاعی قرار می‌گیرد و آغازگر جنگ نیست (قنبری، ۱۴۰۱: ۴۲). مصداق بارز این مفهوم، جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران است که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز رسمی رژیم بعث عراق آغاز شد و با حمایت قدرت‌های جهانی، به یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم تبدیل شد (دشمن‌زیاری، ۱۴۰۱: ۲۱). ضرورت پرداختن به مفهوم جنگ تحمیلی، از آن‌جا ناشی می‌شود که این نوع جنگ، نه تنها ساختارهای نظامی و اقتصادی کشور هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه پیامدهای عمیقی در حوزه‌های تربیتی، فرهنگی، روانی و هویتی نیز به‌جا می‌گذارد (شهرستانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۸). از منظر مفهومی، جنگ تحمیلی واجد مؤلفه‌هایی چون تهاجم یک‌جانبه، فقدان مشروعیت بین‌المللی، مقاومت مردمی، و بازنمایی رسانه‌ای مظلومیت است (دشمن‌زیاری، ۱۴۰۱: ۳۵). چالش اصلی در تحلیل این مفهوم، آن است که در گفتمان‌های بین‌المللی، مرز میان «دفاع مشروع» و «خشونت متقابل» به‌سادگی مخدوش می‌شود و روایت‌های سلطه‌محور، تلاش می‌کنند تا مشروعیت مقاومت را زیر سؤال ببرند (سلطانی، ۱۴۰۲: ۹۵). از این منظر، مفهوم جنگ تحمیلی صرفاً یک اصطلاح تاریخی نیست، بلکه بستری برای بازخوانی هویت ملی، تربیت مقاومت‌محور، و مشروعیت دفاعی در گفتمان اسلامی-ایرانی است؛ مفهومی که می‌تواند در تربیت نسل آینده، به‌ویژه در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی و شناختی، نقش راهبردی ایفا کند.

### ۳-۳- بازنمایی در تربیت و رسانه

بازنمایی در تربیت و رسانه به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم، ارزش‌ها، هویت‌ها و نقش‌های اجتماعی از طریق ابزارهای رسانه‌ای به مخاطبان منتقل و در ذهن آنان بازساخته می‌شود (دایر، ۱۳۸۹: ۲). در این فرآیند، رسانه‌ها صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت نیستند، بلکه با انتخاب، برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی خاص، واقعیت را بازآفرینی می‌کنند و از این طریق، نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای تربیتی ایفا می‌نمایند (هال، ۲۰۰۳: ۹۸). ضرورت پرداختن به این مفهوم از آن‌جا ناشی می‌شود که در عصر جنگ‌های ترکیبی و رسانه‌محور، تربیت رسمی و غیررسمی به‌شدت تحت تأثیر بازنمایی‌های رسانه‌ای قرار گرفته و مرز میان آموزش، تبلیغ و عملیات روانی به‌شدت تضعیف شده است (چگنی علی‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳). از منظر مفهومی، بازنمایی در تربیت و رسانه شامل مؤلفه‌هایی چون قاب‌بندی واقعیت، برجسته‌سازی گزینشی، کلیشه‌سازی، و تولید معنا در چارچوب گفتمان مسلط است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۵). این بازنمایی‌ها می‌توانند در قالب تصویر، صدا، روایت، یا حتی سکوت رسانه‌ای نمود یابند و بر ادراک مخاطب از مفاهیم دینی، هویتی و اخلاقی اثرگذار باشند. چالش اصلی در این حوزه، آن است که بسیاری از بازنمایی‌های رسانه‌ای، به‌ویژه در رسانه‌های جهانی، با ارزش‌های تربیت اسلامی در تعارض‌اند و مفاهیمی چون ایثار، حیا، ولایت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری را یا نادیده می‌گیرند یا تحریف می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۹: ۷۸). از این منظر، بازنمایی در تربیت و رسانه، نه صرفاً یک ابزار ارتباطی، بلکه عرصه‌ای راهبردی برای شکل‌دهی به هویت دینی و تمدنی نسل آینده است. تربیت اسلامی در عصر رسانه، نیازمند بازتعریف مفاهیم کلیدی خود در بستر بازنمایی‌های چندرسانه‌ای و گفتمان‌محور است تا بتواند در برابر تهاجم نرم، نقش فعال و تمدن‌ساز ایفا کند.

### ۳-۴- مفهوم حق دفاع مشروع در اسلام و حقوق بین الملل

حق دفاع مشروع در اسلام و حقوق بین الملل، به عنوان یکی از اصول بنیادین اخلاقی و حقوقی، به کشورها و ملت‌ها اجازه می‌دهد در برابر تجاوز مسلحانه، از خود دفاع کنند؛ حقی که هم در آموزه‌های اسلامی به عنوان تکلیف شرعی و هم در حقوق بین الملل به عنوان حق ذاتی به رسمیت شناخته شده است (چمنی، ۱۴۰۲: ۴۲). در فقه اسلامی، دفاع نه تنها مجاز، بلکه در مواردی واجب شمرده شده و شهیدان راه دفاع از حریم دین و وطن، در بالاترین مراتب قرب الهی قرار دارند (نوری و جان‌آبادی، ۱۳۹۵: ۳). در حقوق بین الملل نیز ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع مشروع را به عنوان تنها استثنا بر اصل منع توسل به زور پذیرفته است. ضرورت پرداختن به این مفهوم، به ویژه در عصر جنگ‌های ترکیبی و تجاوزات نیابتی، از آن‌جا ناشی می‌شود که مرز میان دفاع مشروع و خشونت تهاجمی، به سادگی توسط رسانه‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر مخدوش می‌شود (چمنی، ۱۴۰۲: ۵۵). از منظر مفهومی، دفاع مشروع در هر دو نظام، مشروط به وقوع تجاوز، ضرورت دفاع، تناسب اقدامات، و رعایت اصول انسانی و اخلاقی است (نوری و جان‌آبادی، ۱۳۹۵: ۶). در فقه اسلامی، افزون بر این شروط، نیت الهی، دفاع از دین، و حمایت از مظلومان نیز از ارکان مشروعیت دفاع محسوب می‌شود (شبر، ۱۴۰۰: ۷۸). چالش اصلی در این حوزه، تفاوت در تفسیر مصادیق تجاوز و مشروعیت اقدامات پیش‌دستانه است؛ در حالی که فقه اسلامی در مواردی دفاع پیشگیرانه را نیز مجاز می‌داند، حقوق بین الملل در این زمینه با محدودیت‌های جدی مواجه است (چمنی، ۱۴۰۲: ۶۰). از این منظر، حق دفاع مشروع، صرفاً یک قاعده حقوقی نیست، بلکه بستری برای بازخوانی عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت اخلاقی در نظام بین الملل است؛ مفهومی که در تربیت اسلامی نیز می‌تواند به عنوان الگویی برای پرورش نسلی مقاوم، عدالت‌خواه و صلح‌طلب به کار گرفته شود.

### ۳-۵- اصول تربیت اسلامی در مواجهه با تهدید

اصول تربیت اسلامی در مواجهه با تهدید به مجموعه‌ای از مبانی و راهبردهای تربیتی اطلاق می‌شود که با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، روایی و عقلانی، در شرایط بحران، جنگ، تهاجم فرهنگی یا تهدیدهای نرم و سخت، به هدایت، تقویت و حفظ هویت دینی متربیان می‌پردازد (میر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲). زمینه‌ی شکل‌گیری این اصول، افزایش تهدیدهای چندلایه در عصر جنگ‌های ترکیبی، رسانه‌ای و شناختی است که ساختارهای تربیتی را به ویژه در جوامع اسلامی با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته‌اند (ملکان و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۷). ضرورت پرداختن به این اصول از آن‌جا ناشی می‌شود که تربیت اسلامی، برخلاف نظام‌های سکولار، صرفاً به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه مسئولیت هدایت معنوی، تقویت ایمان، و پرورش روحیه‌ی مقاومت و مسئولیت‌پذیری را نیز بر عهده دارد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۴). در شرایط تهدید، این اصول به مثابه سپری معرفتی و اخلاقی عمل می‌کنند که از فروپاشی هویتی و انفعال فرهنگی جلوگیری می‌نمایند. از منظر مفهومی، مهم‌ترین اصول تربیت اسلامی در مواجهه با تهدید عبارت‌اند از:

- **خدماتحوری و توکل:** تأکید بر اتصال متربی به منبع قدرت لایزال الهی؛
- **تزکیه پیش از تعلیم:** اولویت تهذیب نفس برای پایداری در بحران (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۴۵)؛
- **ولایت‌پذیری و تبعیت از رهبری الهی؛**
- **ایثار و جهاد تبیین:** تربیت متربیانی که در برابر تهدید، روشنگر و کنش‌گر باشند (چگنی علی‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳)؛
- **اعتدال و عقلانیت دینی:** پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با تهدیدها؛
- **آخرت‌اندیشی و صبر راهبردی:** تربیت نسلی که تهدید را در افق الهی معنا می‌کند (ملکان و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۲).

چالش اصلی در تحقق این اصول، غلبه‌ی رویکردهای سطحی، تبلیغ‌محور و گاه منفعل در نظام تربیتی است که در برابر تهدیدهای پیچیده، پاسخگو نیستند. همچنین، نبود پیوند مؤثر میان نهادهای تربیتی، رسانه‌ای و دینی، موجب گسست در بازنمایی این اصول در ذهن متربیان شده

است (میر و همکاران، ۱۴۰۰: ۵). از این منظر، اصول تربیت اسلامی در مواجهه با تهدید، نه صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی، بلکه چارچوبی تمدن‌ساز برای تربیت نسلی مقاوم، بصیر و مسئول در برابر تهدیدهای نوین است؛ نسلی که با تکیه بر ایمان، عقلانیت و اخلاق، بتواند در مسیر تحقق عدالت، امنیت و هویت اسلامی گام بردارد.

#### ۴- تحلیل تربیتی جنگ ۱۲ روزه

در این بخش، تلاش می‌شود با رویکردی تحلیلی و بر پایه‌ی میانی تربیت اسلامی، به بررسی کارکردهای تربیتی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه پرداخته شود. تمرکز اصلی این بخش بر چگونگی بازنمایی مفاهیم دینی، هویتی و اخلاقی در بستر رسانه‌ها و ساختارهای رسمی و غیررسمی تربیت است. همچنین، نقش راهبردی تربیت اسلامی در تقویت روحیه مقاومت، بصیرت رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسل نوجوان، در مواجهه با تهدیدهای شناختی و جنگ روانی دشمن، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. در ادامه، مؤلفه‌هایی چون تأثیر جنگ بر هویت دینی متریبان، جایگاه جهاد تبیین در نظام تربیتی، ظرفیت‌های تربیت غیررسمی در بازتولید مفاهیم مقاومت، و نقش رسانه‌های تربیتی در تبیین مشروعیت دفاع بررسی می‌گردند.

#### ۴-۱- تأثیر رسانه بر ذهن نوجوانان

تأثیر رسانه بر ذهن نوجوانان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تربیتی در عصر حاضر است؛ چرا که نوجوانان در مرحله‌ای از رشد شناختی، عاطفی و هویتی قرار دارند که بیش از هر گروه سنی دیگر در معرض تأثیرپذیری از بازنمایی‌های رسانه‌ای هستند. رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، با ارائه‌ی تصاویر گزینشی، روایت‌های اغراق‌آمیز و الگوهای رفتاری غیرواقعی، ذهن نوجوان را درگیر مقایسه، خودکم‌بینی و بحران هویت می‌کنند. این تأثیرات، نه‌تنها در سطح روان‌شناختی، بلکه در ساحت تربیتی و اخلاقی نیز پیامدهای عمیقی به‌جا می‌گذارند. ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که رسانه‌ها، به‌ویژه در بستر جنگ‌های ترکیبی و عملیات روانی، به ابزار اصلی شکل‌دهی به ادراک نوجوانان از مفاهیمی چون مقاومت، هویت دینی، وطن‌دوستی و مشروعیت دفاعی تبدیل شده‌اند (ذهن نو، ۱۴۰۴: ۲). از منظر مفهومی، تأثیر رسانه بر ذهن نوجوان شامل مؤلفه‌هایی چون مقایسه اجتماعی، تصویر بدنی منفی، اضطراب عملکرد، اعتیاد رسانه‌ای، و تضعیف اعتماد به نفس است (رایبیتیا، ۱۴۰۰: ۳). چالش اصلی در این حوزه، آن است که نوجوانان اغلب فاقد سواد رسانه‌ای کافی برای تحلیل انتقادی محتوا هستند و در نتیجه، بازنمایی‌های رسانه‌ای را به‌عنوان واقعیت مسلم می‌پذیرند. این امر می‌تواند منجر به تغییر نگرش‌های دینی، تضعیف هویت ملی، و پذیرش الگوهای رفتاری ناسازگار با تربیت اسلامی شود. همچنین، وابستگی اعتیادگونه به رسانه‌ها، موجب کاهش تعاملات واقعی، افت تحصیلی و افزایش انزوا و افسردگی در نوجوانان شده است (ذهن نو، ۱۴۰۴: ۵). از این منظر، تحلیل تأثیر رسانه بر ذهن نوجوانان، صرفاً یک بحث روان‌شناختی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی در تربیت اسلامی و امنیت فرهنگی نسل آینده است. تربیت رسانه‌ای، به‌عنوان بخشی از تربیت اسلامی، باید با هدف تقویت تفکر انتقادی، هویت دینی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برابر بازنمایی‌های رسانه‌ای طراحی و اجرا شود.

#### ۴-۲- بازنمایی مقاومت، شهادت‌طلبی، هویت دینی

بازنمایی مقاومت، شهادت‌طلبی و هویت دینی به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم بنیادین اسلامی همچون ایثار، جهاد، ولایت‌پذیری و مرگ‌آگاهی، از طریق رسانه‌ها، نظام آموزشی، هنر و گفتمان‌های اجتماعی، به نسل‌های جدید منتقل و در ذهن آنان نهادینه می‌شود (نبی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۲۵). این بازنمایی‌ها، نه‌تنها بازتاب‌دهنده واقعیت‌های تاریخی و ارزشی‌اند، بلکه با انتخاب، برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی خاص، واقعیت را بازآفرینی می‌کنند و از این طریق، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت دینی و انقلابی ایفا می‌نمایند (فاسمی، ۱۳۹۷: ۹۳). ضرورت پرداختن به این مفهوم، به‌ویژه در بستر جنگ‌های ترکیبی و عملیات روانی دشمن، از آن‌جا ناشی می‌شود که رسانه‌های معاند تلاش می‌کنند با تحریف مفاهیم

مقاومت و شهادت، آن‌ها را خشونت‌طلبانه یا غیرعقلانی جلوه دهند. در مقابل، بازنمایی صحیح و تمدن‌ساز این مفاهیم، می‌تواند به تقویت هویت دینی، خودباوری ملی و انسجام فرهنگی منجر شود (پارسانیا، ۱۴۰۳). از منظر مفهومی، بازنمایی مقاومت و شهادت‌طلبی شامل مؤلفه‌هایی چون:

- بازآفرینی روایت‌های عاشورایی و قرآنی در قالب‌های رسانه‌ای و تربیتی؛
  - تبیین عقلانی و اخلاقی فرهنگ ایثار و جهاد در نظام آموزشی؛
  - شهادت‌طلبی به مثابه اوج آگاهی و انتخاب آگاهانه در راه خدا (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۷)؛
  - هویت دینی به مثابه پیوندی میان ایمان، مسئولیت اجتماعی و ولایت‌مداری (نبی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۰).
- چالش اصلی در این حوزه، آن است که بسیاری از بازنمایی‌های رسانه‌ای غرب‌گرا، مفاهیم مقاومت و شهادت را به صورت کلیشه‌ای، احساسی یا حتی افراطی تصویر می‌کنند و از سوی دیگر، نظام تربیتی رسمی نیز در بازتولید این مفاهیم با زبان نسل جدید، دچار ضعف است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). همچنین، نبود پیوند مؤثر میان نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی، موجب گسست در انتقال این مفاهیم به نسل نوجوان شده است. از این منظر، بازنمایی مقاومت، شهادت‌طلبی و هویت دینی، نه صرفاً یک پروژه رسانه‌ای، بلکه راهبردی تمدن‌ساز در تربیت نسل آینده است؛ نسلی که با تکیه بر ایمان، عقلانیت و ایثار، بتواند در برابر تهدیدهای ترکیبی، هویتی مقاوم، فعال و الهی داشته باشد.

#### ۴-۳- کارکرد تربیت اسلامی در تقویت روحیه مقاومت

کارکرد تربیت اسلامی در تقویت روحیه مقاومت به مجموعه‌ای از نقش‌ها و تأثیرات تربیتی اطلاق می‌شود که آموزه‌های اسلامی، با تکیه بر قرآن، سنت، عقل و اجماع، در شکل‌دهی به شخصیت مقاوم، مؤمن و تمدن‌ساز ایفا می‌کنند. زمینه‌ی این بحث، افزایش تهدیدهای ترکیبی، جنگ‌های شناختی و عملیات روانی علیه ملت‌های اسلامی است که بیش از هر چیز، اراده، هویت و باورهای نسل جوان را هدف قرار داده‌اند (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۲). در چنین شرایطی، تربیت اسلامی نه تنها یک نظام آموزشی، بلکه راهبردی تمدنی برای حفظ و تقویت روحیه مقاومت در برابر سلطه‌طلبی و تحریف است (حسنی، ۱۴۰۳: ۳). ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که دشمنان با بهره‌گیری از رسانه، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، تلاش می‌کنند تا مفاهیمی چون شهادت، ایثار، ولایت‌پذیری و جهاد تبیین را تحریف کرده و نسل نوجوان را از هویت دینی و انقلابی خود جدا سازند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۹۵). در این میان، تربیت اسلامی با تکیه بر منابع اصیل، می‌تواند به بازتولید مفاهیم مقاومت در قالب‌های نوین و متناسب با زبان نسل جدید بپردازد. از منظر مفهومی، مهم‌ترین کارکردهای تربیت اسلامی در تقویت روحیه مقاومت عبارت‌اند از:

- **هویت‌بخشی دینی و انقلابی:** تربیت اسلامی با تأکید بر توحید، ولایت، و عدالت، هویتی مقاوم و تمدن‌ساز در مرتبه‌ی ایجاد می‌کند (نبی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۰).
- **نهادینه‌سازی مفاهیم ایثار و جهاد:** از طریق بازنمایی سیره اهل‌بیت، شهدا و آیات جهاد، روحیه فداکاری و مسئولیت‌پذیری تقویت می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۷).
- **تقویت عقلانیت دینی و صبر راهبردی:** تربیت اسلامی، مقاومت را نه صرفاً احساسی، بلکه عقلانی، هدفمند و الهی معرفی می‌کند (ملکان و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۲).
- **مقابله با جنگ نرم و تحریف مفاهیم:** با آموزش سواد رسانه‌ای، جهاد تبیین و تحلیل گفتمان، مرتبه‌ی در برابر تحریف‌ها مقاوم می‌شود (حسنی، ۱۴۰۳: ۴).

چالش اصلی در این حوزه، آن است که نظام رسمی تعلیم و تربیت، اغلب در انتقال مفاهیم مقاومت، زبان نسل جدید را نمی‌شناسد و از ابزارهای رسانه‌ای و هنری بهره کافی نمی‌برد. همچنین، گسست میان نهادهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای، موجب تضعیف انسجام گفتمان مقاومت در ذهن متریبان شده است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۰۲). از این منظر، کارکرد تربیت اسلامی در تقویت روحیه مقاومت، صرفاً یک وظیفه آموزشی نیست،

بلکه راهبردی تمدنی برای حفظ هویت، امنیت فرهنگی و پایداری اجتماعی در برابر تهدیدهای نوین است؛ راهبردی که می‌تواند نسل آینده را به کنش‌گرانی مؤمن، مقاوم و تمدن‌ساز تبدیل کند.

## ۵- تحلیل حقوقی جنگ ۱۲ روزه

در این بخش، تلاش خواهد شد تا با رویکردی تطبیقی و مستند، ابعاد حقوقی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه مورد بررسی قرار گیرد. تمرکز اصلی این تحلیل بر چگونگی انطباق اقدامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران با قواعد حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل منع توسل به زور و استثنای دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد)، خواهد بود. همچنین، مقایسه‌ای میان مفهوم دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد و چالش‌های تفسیری موجود در این دو نظام حقوقی تحلیل خواهد شد. در ادامه، به مسائلی چون مشروعیت حمله متقابل، استفاده از ابزارهای ترکیبی دفاعی (سایبری، رسانه‌ای و دیپلماتیک)، نحوه واکنش جامعه جهانی، و مسئله بازنمایی حقوقی مقاومت در گفتمان‌های رسانه‌ای پرداخته خواهد شد. هدف نهایی این بخش، تبیین الگوی حقوقی قابل دفاع از عملکرد ایران در جنگ اخیر، در چارچوب اصول عدالت بین‌المللی و فقه مقاومت است.

### ۵-۱- بررسی حق دفاع مشروع در اسناد بین‌المللی

حق دفاع مشروع در اسناد بین‌المللی یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در برابر تجاوز مسلحانه، اقدامات دفاعی انجام دهند. این اصل به‌صراحت در ماده ۵۱ منشور ملل متحد گنجانده شده است و به‌عنوان تنها استثنای مجاز بر اصل منع توسل به زور (ماده ۲ بند ۴ منشور) شناخته می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۴۶). بر اساس این ماده، هر کشور عضو، در صورت وقوع حمله نظامی، حق دارد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم انجام دهد، از خود دفاع فردی یا جمعی انجام دهد (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۸۱). ضرورت بررسی این اصل، به‌ویژه پس از تحولات جنگ‌های مدرن، بیش از پیش احساس می‌شود؛ چرا که ماهیت تهدیدات جدید از جنگ‌های کلاسیک فراتر رفته و شامل حملات سایبری، عملیات روانی و جنگ‌های نیابتی نیز شده است. در چنین شرایطی، تعریف سنتی «حمله مسلحانه» و مرزهای بین تجاوز و دفاع مشروع، نیازمند بازتعریف و تفسیر تازه است (جعفرنژاد، ۱۴۰۲: ۹۸). شرایط اصلی توسل به دفاع مشروع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری شامل سه شرط است:

- وقوع حمله مسلحانه واقعی
- ضرورت اقدام فوری
- تناسب میان اقدام دفاعی و تهدید (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

چالش مهم این اصل، دوگانگی در تفسیر آن در فضای بین‌المللی است؛ برخی بازیگران بین‌المللی با ارائه تفسیر «پیش‌دستانه» یا «پیشگیرانه» از دفاع مشروع، تلاش دارند اقدامات تهاجمی خود را در چارچوب حقوق بین‌الملل توجیه کنند (صفاری، ۱۳۹۸: ۱۲۷). این در حالی است که براساس رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، این تفسیر موسع با اصل محدودیت در توسل به زور سازگار نیست. در مجموع، تحلیل حق دفاع مشروع در اسناد بین‌المللی، ابزاری است برای تمایز میان تجاوز و مقاومت قانونی، و در تحلیل جنگ ۱۲ روزه، می‌تواند مبنایی برای دفاع حقوقی ایران در مجامع بین‌المللی فراهم آورد.

### ۵-۲- تحلیل حقوق اسلامی در مقابله با اشغال، تجاوز و جنگ نیابتی

تحلیل حقوق اسلامی در مقابله با اشغال، تجاوز و جنگ نیابتی، ناظر بر ظرفیت‌های فقهی و حقوقی اسلام در مواجهه با تهدیداتی است که در قالب اشغال سرزمین، تجاوز مستقیم یا جنگ‌های نیابتی از سوی دشمنان امت اسلامی صورت می‌گیرد. زمینه‌ی این بحث، گسترش الگوهای

## آزاده و بیوک آژاده (۶۱-۷۴)

جنگ ترکیبی و نیابتی در منطقه غرب آسیا و تلاش قدرت‌های سلطه‌گر برای تضعیف جبهه مقاومت از طریق ابزارهای غیرفرمال و بازیگران غیردولتی است. (کدخدایی، ۱۴۰۳: ۱۱) ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که حقوق بین‌الملل معاصر، علی‌رغم پذیرش اصل منع توسل به زور، در برابر اشغالگری و جنگ‌های نیابتی، اغلب دچار انفعال یا استانداردهای دوگانه شده است. در چنین شرایطی، حقوق اسلامی با تکیه بر اصولی چون دفاع مشروع، حمایت از مظلوم، و نهی از منکر، چارچوبی فعال و اخلاق‌محور برای مقابله با اشغال و تجاوز ارائه می‌دهد (زرشکی، ۱۴۰۳: ۲۲). از منظر مفهومی، حقوق اسلامی در این حوزه بر چند اصل کلیدی استوار است:

- حرمت اشغال سرزمین مسلمانان و وجوب دفاع از آن (نحل: ۷۵؛ انفال: ۶۰)؛
- وجوب نصرت مظلوم، حتی اگر در سرزمین دیگری باشد (نساء: ۷۵)؛
- مشروعیت جهاد دفاعی و مقابله با تجاوز، حتی در قالب جنگ نیابتی، در صورتی که تهدید متوجه امت اسلامی باشد (زرشکی، ۱۴۰۳: ۵۵)؛
- لزوم رعایت اصول انسانی در جنگ، از جمله تمایز، تناسب و منع خشونت بی‌ضابطه (لسانی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

چالش اصلی در این حوزه، آن است که بسیاری از اقدامات مقاومت اسلامی در برابر اشغال یا تجاوز، از سوی رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی، به‌جای آن‌که در چارچوب دفاع مشروع تفسیر شوند، به‌عنوان خشونت یا تروریسم معرفی می‌شوند. همچنین، نبود سازوکارهای الزام‌آور برای مقابله با جنگ‌های نیابتی، موجب شده که دولت‌های حامی تروریسم، بدون پاسخگویی حقوقی، به حمایت از گروه‌های متجاوز ادامه دهند (اسدی، ۱۳۹۹: ۷۲). از این منظر، تحلیل حقوق اسلامی در مقابله با اشغال، تجاوز و جنگ نیابتی، نه تنها پاسخی فقهی به تهدیدات نوین است، بلکه چارچوبی تمدن‌ساز برای بازتعریف مقاومت، مشروعیت دفاع و حمایت از ملت‌های مظلوم در نظم جهانی معاصر ارائه می‌دهد؛ الگویی که بر پایه‌ی عدالت، عقلانیت و کرامت انسانی استوار است.

### ۵-۴- جایگاه‌های دوگانه مشروعیت و ادراک جهانی در جنگ‌های کوتاه‌مدت

چالش‌های دوگانه مشروعیت و ادراک جهانی در جنگ‌های کوتاه‌مدت، به مجموعه‌ای از بحران‌های حقوقی، رسانه‌ای و ادراکی اطلاق می‌شود که در جریان مخاصمات نظامی با مدت‌زمان محدود، اما شدت بالا، بروز می‌یابد. زمینه‌ی این بحث، افزایش چشم‌گیر جنگ‌های کوتاه‌مدت در دهه‌های اخیر است؛ جنگ‌هایی که با هدف ضربه سریع، تغییر معادله روانی و تحمیل روایت خاص به افکار عمومی جهانی طراحی می‌شوند (زارع ایوکی، ۱۴۰۴). جنگ ترکیبی ۱۲ روزه اخیر نیز نمونه‌ای بارز از این الگوست که در آن، مسئله مشروعیت اقدامات دفاعی و نحوه بازنمایی آن در سطح بین‌المللی، به چالشی جدی بدل شد. ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که در جنگ‌های کوتاه‌مدت، فرصت دولت‌ها برای اقناع افکار عمومی جهانی، ارائه مستندات حقوقی، و تثبیت روایت مشروعیت بسیار محدود است. در چنین شرایطی، ادراک جهانی از مشروعیت، بیش از آن‌که بر مبنای قواعد حقوقی باشد، تابع روایت‌سازی رسانه‌ای، قدرت دیپلماسی عمومی و چارچوب‌بندی گفتمانی است (مصفا، ۱۴۰۰: زمانی و آجلی، ۱۴۰۰). از منظر مفهومی، این چالش‌ها در دو سطح قابل تحلیل‌اند:

- **مشروعیت حقوقی:** یعنی انطباق اقدامات نظامی با اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل دفاع مشروع، تناسب و ضرورت؛
- **مشروعیت ادراکی:** یعنی پذیرش عمومی و بین‌المللی اقدامات یک دولت به‌عنوان دفاعی، اخلاقی و عادلانه، صرف‌نظر از مبانی حقوقی آن (کدخدایی، ۱۴۰۴).

چالش اصلی در جنگ‌های کوتاه‌مدت آن است که فرصت اقناع حقوقی و رسانه‌ای بسیار محدود است و در نتیجه، روایت‌های سلطه‌محور با بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی، می‌توانند اقدامات مشروع را به‌عنوان خشونت یا افراط‌گرایی بازنمایی کنند. همچنین، نهادهای بین‌المللی به‌دلیل کندی فرآیندهای حقوقی، اغلب در برابر جنگ‌های کوتاه‌مدت منفعل عمل می‌کنند و این امر، به بحران مشروعیت در نظم بین‌المللی دامن می‌زند (زارع ایوکی، ۱۴۰۴؛ مصفا، ۱۴۰۰). از این منظر، چالش‌های دوگانه مشروعیت و ادراک جهانی در جنگ‌های کوتاه‌مدت، صرفاً یک مسئله حقوقی یا

## آزادزه و بیوک آجازده (۶۱-۷۴)

رسانه‌ای نیست، بلکه نقطه تلاقی امنیت، اخلاق، حقوق و روایت‌سازی در نظم جهانی معاصر است. تحلیل این چالش‌ها می‌تواند به طراحی راهبردهایی برای بازنمایی مؤثر مشروعیت دفاعی در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در جنگ‌های آینده، منجر شود.

### ۶- نتیجه‌گیری

بررسی هم‌زمان ابعاد حقوقی و تربیتی جنگ ترکیبی ۱۲ روزه نشان داد که این نوع جنگ‌ها، صرفاً پدیده‌های نظامی نیستند، بلکه میدان‌هایی چندلایه‌اند که افکار عمومی، باورهای فرهنگی، مشروعیت سیاسی، و انسجام اجتماعی را به‌طور هم‌زمان هدف قرار می‌دهند. از این رو، تحلیل چنین رخدادهایی باید فراتر از میدان نظامی، به ساحت‌های معرفتی، تربیتی و حقوقی نیز تسری یابد. در بُعد حقوقی، اقدامات دفاعی ایران در جریان جنگ اخیر، ذیل عنوان دفاع مشروع قابل تعریف بود، با این حال، فشار روایت‌های سلطه‌محور و فرآیندهای کند و سیاست‌زده نهادهای بین‌المللی، مانع از پذیرش فوری و فراگیر این مشروعیت شد. در کنار این مسئله، بحران "ادراک جهانی از مشروعیت" نیز پدیدار شد؛ جایی که روایت‌های رسانه‌ای، بر مفاد حقوقی پیشی گرفتند و مشروعیت را نه بر پایه اسناد بین‌المللی، که بر مبنای روایت غالب تفسیر کردند. در بُعد تربیتی، جنگ ۱۲ روزه به‌وضوح نشان داد که نسل نوجوان و جوان در خط مقدم مواجهه با جنگ نرم و شناختی قرار دارند. بازنمایی صحیح و تمدن‌ساز مفاهیمی چون مقاومت، ولایت‌پذیری، شهادت‌طلبی و جهاد تبیین، نقش مهمی در ارتقای حس هویت دینی، مسئولیت اجتماعی و سرمایه معنوی نسل آینده ایفا کرده است. تربیت اسلامی، اگر با زبان روز، ابزار رسانه و نهادسازی هدفمند همراه شود، می‌تواند سپری مؤثر در برابر تهدیدهای روانی و هویتی دشمنان باشد. در آینده، الگوهای جنگ به‌سوی مخصصاتی خواهند رفت که مرز روشنی با صلح، جنگ رسمی، یا حمله مستقیم نخواهند داشت. جنگ‌های آینده، میدانی برای نبرد روایت‌ها، ادراک‌ها، معناها و هویت‌ها خواهند بود. در چنین وضعیتی، تربیت اسلامی نه فقط ضرورت فرهنگی، بلکه راهبرد امنیتی و تمدنی خواهد بود. این تربیت باید قادر باشد نسلی تربیت کند که هم با ایمان و معرفت پیوند دارد، هم در مواجهه با تحریف‌ها و عملیات روانی، صبور، آگاه و فعال عمل می‌کند. سرمایه‌گذاری بر سواد رسانه‌ای، ارتقای عقلانیت دینی، و تقویت حس مسئولیت اجتماعی در متریان، مؤلفه‌هایی حیاتی برای مواجهه تمدن‌ساز با تهدیدات آینده خواهد بود.

### ۷- پیشنهادها

با هدف ارتقای کیفی پژوهش و تقویت بُعد کاربردی آن در ساحت‌های علمی، آموزشی و نهادی، در این بخش به مجموعه‌ای از پیشنهادها اشاره می‌شود که می‌توانند مسیر تکامل نظری و عملی پژوهش را هموار سازند:

#### ۷-۱- پیشنهادهای علمی و پژوهشی

- گسترش مطالعات تطبیقی میان تربیت اسلامی و الگوهای مقاومت در سایر تمدن‌ها (مانند تربیت شیعه در لبنان یا مقاومت مسیحی - آسیایی) برای عمق‌بخشی نظری؛
- تحلیل داده‌محور بازنمایی رسانه‌ای جنگ ۱۲ روزه با استفاده از تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی؛
- انجام پیمایش میدانی از دانش‌آموزان یا معلمان درباره اثرات تربیتی مفاهیم مقاومت و دفاع مشروع در فضای مدرسه؛
- طراحی مدل مفهومی تربیت تمدن‌ساز در جنگ‌های ترکیبی بر پایه مؤلفه‌های استخراج‌شده از این پژوهش.

#### ۷-۲- پیشنهادهای نهادی و آموزشی

- بازطراحی محتوای آموزشی در دروس معارف، مطالعات اجتماعی و سواد رسانه‌ای در مقاطع متوسطه، با تکیه بر مفاهیم مقاومت، جهاد تبیین و مشروعیت دفاعی؛

## آزاده و بیوک آجازده (۶۱-۷۴)

- تأسیس اتاق‌های فکر میان‌رشته‌ای میان حوزه‌های علوم تربیتی، فقه، حقوق و رسانه، برای تولید محتوای مقاومت‌محور؛
- تربیت معلمان و مربیان آگاه به جنگ ترکیبی و جنگ نرم با برگزاری کارگاه‌های کشوری و منطقه‌ای؛
- پیوند رسمی میان حوزه علمیه و آموزش و پرورش برای انتقال فعال و روزآمد مفاهیم تربیت اسلامی در مدرسه؛
- ایجاد نهاد رصد و رگولاتوری محتوای آموزشی و رسانه‌ای برای پایش بازنمایی‌های انحرافی از مفاهیم مقاومت، شهادت و دفاع مشروع در فضای دیجیتال.

### منابع

- ❖ قرآن
- ❖ نهج البلاغه
- ۱. اسدی، رضا (۱۳۹۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در جنگ‌های نیابتی؛ با تأکید بر مخصصات خاورمیانه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
- ۲. بختیاری، ایرج و ساعدی، بیژن (۱۳۹۸)، «روند تکاملی جنگ و جنگ ترکیبی از منظر فرماندهی و کنترل». فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره پانزدهم، شماره چهارم: صفحه‌های ۱۰۱ تا ۱۲۷.
- ۳. پارسانی، حمید (۱۴۰۳)، «شهادت‌طلبی با نگاه ایرانی، هویتی فراملی یافته است». شورای عالی انقلاب فرهنگی. متن سخنرانی.
- ۴. پیری زمانه، مسلم و قدمی، کاوه (۱۴۰۲)، «جهاد تبیین مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، راهبرد مقابله با جنگ ترکیبی». اولین همایش ملی فرماندهی و مدیریت در جنگ‌های آینده.
- ۵. جعفرنژاد، سیدعلی (۱۴۰۲)، «بررسی چالش‌های حقوقی کاربرد دفاع مشروع در جنگ‌های ترکیبی». همایش بین‌المللی حقوق و نظم نوین جهانی.
- ۶. چگنی علی‌آبادی، مهدی و همکاران (۱۴۰۲)، «بازنمایی آموزش و پرورش در رسانه‌ها». پانزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی.
- ۷. چمنی، ساسان (۱۴۰۲)، «بررسی و مقایسه دفاع مشروع از نگاه اسلام و حقوق بین‌الملل». فصلنامه دفاع و سیاست، دوره سی‌ودوم، شماره دوم: صفحه‌های ۴۲ تا ۶۵.
- ۸. حسنی، ابوالحسن (۱۴۰۳)، «راه‌های تقویت جبهه مقاومت و تربیت نسل مقاوم». قدس آنلاین و خبرگزاری حوزه ۲.
- ۹. حسینی، سیدابوذر و شبذینی پاشاکی، محمد (۱۴۰۳)، «تحلیل راهبردهای قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن». پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره دوازدهم، شماره دوم: صفحه‌های ۳۴ تا ۶۵.
- ۱۰. حمیدی‌فر، محمدرضا (۱۴۰۴)، «نقش تربیت اسلامی در مواجهه با جنگ‌های شناختی و ترکیبی». فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، دوره پانزدهم، شماره اول: صفحه‌های ۲۳ تا ۴۸.
- ۱۱. دایر، ریچارد (۱۳۸۹). «بازنمایی رسانه‌ای»، ترجمه زهره رجبی. تهران: مرکز آموزش همشهری.
- ۱۲. دشمن‌زیاری، تورج (۱۴۰۱)، «بررسی مفهوم‌سازی جنگ در روایت زنان و مردان از دوران جنگ تحمیلی با رویکرد معناشناختی». تهران: انتشارات هورین.
- ۱۳. رضایی، محمدامین (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مفهوم دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل». فصلنامه مطالعات فقه تطبیقی، دوره دوم، شماره سوم: صفحه‌های ۱۷۸ تا ۱۹۰.

آزادزه و بیوک آخازده (۶۱-۷۴)

۱۴. رنجبر، محمد (۱۴۰۴)، «ابعاد رسانه‌ای و روانی جنگ ترکیبی اخیر و نقش جهاد تبیین». نشریه راهبرد فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره دوازدهم، شماره دوم: صفحه‌های ۴۵ تا ۶۸.
۱۵. رنجبر، محمدعلی (۱۴۰۲)، «جنگ هیبریدی و جهاد تبیین». فصلنامه علمی تخصصی ره توشه.
۱۶. زارع ایوکی، یوسف رضا (۱۴۰۴) ف «آینده پژوهی منازعه ایران و رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۲ روزه: سناریوهای بازتولید بحران در نظم امنیتی غرب آسیا». یادداشت علمی در سیویلیکا.
۱۷. زرشکی، محمد (۱۴۰۳)، «تحلیل جنگ و حقوق اسیران جنگی از منظر اسلام در پرتو آیات قرآن کریم». فصلنامه قرآن و علوم انسانی، دوره پنجم، شماره چهارم: صفحه‌های ۴۵ تا ۷۰.
۱۸. زمانی، سیدقاسم و آجلی لاهیجی، هاشم (۱۴۰۰)، «چالش مشروعیت در ساختار و عملکرد سازمان بین‌المللی: مطالعه موردی بانک جهانی». پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست‌وسوم، شماره هفتادویکم: صفحه‌های ۹ تا ۳۳.
۱۹. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۴۰۲)، «بازنمایی جنگ تحمیلی در گفتمان رسانه‌های غرب». پژوهش‌های انتقادی رسانه و فرهنگ، دوره نهم، شماره سوم: صفحه‌های ۹۱ تا ۱۱۲.
۲۰. شبر، غلام (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی دفاع مشروع از دیدگاه فقه و حقوق بین‌الملل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی.
۲۱. شهرستانی، زهره؛ سلطانی، سیدعلی اصغر و طباطبایی، سیدعبدالمجید (۱۴۰۲)، «تأثیر جنسیت بر مفهوم‌سازی استعاری در روایت‌های زنانه و مردانه از جنگ تحمیلی». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره چهاردهم، شماره اول: صفحه‌های ۸۵ تا ۱۰۶.
۲۲. شیخ‌الاسلام، سید کيارش (۱۳۹۹)، «جنگ ترکیبی چیست؟». سایبرپژوه.
۲۳. شیخ‌سامانی، الهام و همکاران (۱۴۰۲)، «بازنمایی تربیت اسلامی در تحلیل محتوای صحیفه سجادیه (مطالعه کیفی)». پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره بیستم، شماره دوم: صفحه‌های ۶۳ تا ۷۵.
۲۴. صفاری، سید جلال (۱۳۹۸)، «نقدی بر تفسیر دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل». پژوهش حقوق معاصر، دوره پنجم، شماره دوم: صفحه‌های ۱۲۵ تا ۱۴۳.
۲۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «حقوق بین‌الملل عمومی». چاپ بیست‌ودوم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۶. طباطبایی، سید احمد (۱۴۰۴)، «بازخوانی دفاع مشروع ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه». ایسنا.
۲۷. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، «ارزیابی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل». مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، شماره چهارم: صفحه‌های ۹۱ تا ۱۱۳.
۲۸. قاسمی، سعیده (۱۳۹۹)، «نقش و کارکرد رسانه‌ها در تعلیم و تربیت». فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی، دوره دوم، شماره چهارم: صفحه‌های ۷۵ تا ۸۲.
۲۹. قنبری، محمدرضا (۱۴۰۱). «تحلیل فقهی-حقوقی مفهوم جنگ تحمیلی در حقوق بین‌الملل». فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی، دوره بیست‌وسوم، شماره دوم: صفحه‌های ۳۹ تا ۵۸.
۳۰. کدخدایی، عباسعلی (۱۴۰۳)، «حمایت‌گرایی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های حقوقی». ایسنا.
۳۱. کدخدایی، عباسعلی (۱۴۰۴)، «همدستی غرب در جنایت‌های رژیم صهیونیستی و بحران مشروعیت نظم بین‌المللی». پایگاه شورای نگهبان.

۳۲. کلانتری، فتح‌الله (۱۴۰۳)، «واکاوی ماهیت جنگ ترکیبی». فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره بیست‌وپنجم، شماره اول: صفحه‌های ۵ تا ۲۸.
۳۳. کیانی، رضا (۱۴۰۳) ف «تحول مفهوم جنگ در نظم امنیتی جدید و پیامدهای تربیتی آن». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، دوره بیست‌وپنجم، شماره سوم: صفحه‌های ۱۱ تا ۳۶.
۳۴. لسانی، سید حسام‌الدین و کاظمی، احمد (۱۳۹۵)، «حمایت از سربازان خودی در مخاصمات مسلحانه؛ بررسی تطبیقی حقوق بین‌الملل و اسلام». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره سوم، شماره چهارم: صفحه‌های ۱۵۳ تا ۱۸۴.
۳۵. محبی، محسن (۱۴۰۴)، «تحلیل حقوقی جنگ ۱۲ روزه از منظر منشور ملل متحد و فقه اسلامی». نشست علمی پژوهشکده حقوق شهر دانش.
۳۶. محمدی، محمدعلی (۱۳۹۹)، «رابطه عزم ملی و تقویت مقاومت اسلامی از نگاه قرآن». فصلنامه حکومت اسلامی، دوره بیست‌وپنجم، شماره سوم: صفحه‌های ۴۹ تا ۷۶.
۳۷. محمدیان، علی (۱۴۰۴)، «بازنمایی مفاهیم مقاومت در رسانه‌های تربیتی پس از جنگ ۱۲ روزه». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای رسانه و تعلیم و تربیت، دوره ششم، شماره اول: صفحه‌های ۷۵ تا ۹۸.
۳۸. مصفا، نسرین (۱۴۰۰)، «مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی و نیاز به همکاری». انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۳۹. ملکان، آسیه و همکاران (۱۴۰۳)، «اصول حاکم بر تربیت اسلامی، فواید، ویژگی‌ها و پیامدهای آن». مرکز بین‌المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلانیت.
۴۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، «صحیفه نور»، جلد هفدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۱. مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷)، «رسانه‌ها و بازنمایی». تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۲. میر، کیوان؛ میر، محمد امین و اقبال کهخایی مقدم، محمد (۱۴۰۰)، «بررسی عوامل تهدیدکننده‌ی تربیت اسلامی و راهکارهای مقابله با آن‌ها». دهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی.
۴۳. نبی‌زاده، محمد (۱۴۰۲)، «شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی ایران». فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر، دوره نهم، شماره چهارم: صفحه‌های ۱۲۱ تا ۱۴۶.
۴۴. نوربخش، سیدنادر (۱۴۰۳)، «تحلیلی بر مفهوم، مبانی نظری، الگوها و شرایط تحقق جنگ ترکیبی در قرن ۲۱». همایش ملی جنگ ترکیبی.
۴۵. نوری، جواد و جان‌آبادی، مصطفی (۱۳۹۵)، «بررسی دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌المللی». همایش ملی آینده‌پژوهی و امنیت اجتماعی.
46. Hall, Stuart (2003), *“Representation: Cultural Representations and Signifying Practices”*. London: Sage.